



سال هفدهم، شماره ۵۷
بهار ۱۳۹۶، صفحات ۲۳۴-۲۱۳

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی

* غلامحسین عبدالله زاده^۱

طاهره قرقانی^۲

محمد شریف شریف زاده^۳

گوهر خاکسار مقدم^۴

بررسی عوامل موثر بر گرایش به اسکان در بین خانوارهای عشایری شهرستان سمیرم

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۸

چکیده

برنامه‌های اسکان عشایر به عنوان یکی از راهبردهای توسعه جامعه عشایری، با هدف محرومیت‌زدایی و خدمات‌رسانی بهتر در دستور کار دولت‌های مختلف قرار گرفته است. از طرفی گرایش به اسکان خانوارهای عشایری تحت تأثیر عوامل مختلفی است. بر این اساس تحقیق حاضر به بررسی عوامل موثر بر گرایش به اسکان در بین خانوارهای عشایری شهرستان سمیرم پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش شامل خانوارهای کوچ رو عشایری شهرستان سمیرم به تعداد ۴۸۴۵ نفر می‌باشند که از بین آن‌ها ۱۳۰ نفر به عنوان نمونه‌های این تحقیق انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای با تخصیص متناسب در بین طایفه‌های مختلف بود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بود که روایی صوری و محتوایی آن بر اساس نظر کارشناسان سازمان عشایر سمیرم و اساتید دانشگاهی تأیید شد و پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای گرایش به اسکان، جاذبه‌های اسکان و دافعه‌های کوچ به ترتیب ۰/۶۸۱، ۰/۹۰۳ و ۰/۷۱۸ محاسبه شد. برای تعیین تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل مورد مطالعه بر متغیر وابسته گرایش به اسکان از روش تحلیل مسیر از طریق محاسبه رگرسیون‌های متوالی

* ۱- دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول) Email: abdollahzade1@gmail.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

۳- دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

۴- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

استفاده شد. نتایج نشان داد که ۳۲/۳ درصد خانوارها گرایش زیاد و خیلی زیاد و ۴۰/۸ درصد نیز گرایش متوسط به اسکان داشتند. به علاوه نتایج تحلیل مسیر نشان داد که بیشترین تأثیر بر گرایش به اسکان مربوط به متغیرهای جاذبه‌های اسکان (با میزان تأثیر کل ۰/۶۵۶)، دافعه‌های اسکان (۰/۲۵۷)، سواد (۰/۲۲۲)، اسکان اعضای طایفه (۰/۱۵۸)، اندازه خانوار (۰/۱۱۱) با تأثیرات مثبت و متغیرهای تعداد دام (۰/۲۲۹-) و درآمد عشایری (۰/۱۴۸-) با تأثیر منفی می‌باشد. به طور کلی نتایج نشان داد که تصمیم به اسکان در بین خانوارهای عشایری در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی و در راستای حداکثر کردن سود یا نفع شخصی صورت می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: اسکان عشایر، گرایش به اسکان، جاذبه اسکان، دافعه کوچ، خانوار عشایر، شهرستان سمیرم.

مقدمه

جامعه عشایری ایران در کنار جامعه شهری، روستایی و با جمعیتی حدود ۲/۵ درصد از جمعیت کشور از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای نقش‌های مهمی می‌باشد (صیدایی، ۱۳۸۷: ۱۴۷). تأثیر اقتصادی، اجتماعی و نقش دفاعی و مزدداری جامعه عشایری انکارناپذیر بوده و بدون تردید یکی از میراث‌های گرانقدر و ضروری کشور هستند. به علاوه جامعه عشایری چندین برابر (بیش از ده برابر) نسبت جمعیتی‌شان در تأمین مواد پروتئینی، به‌ویژه گوشت قرمز و سایر فرآورده‌های دامی کشور نقش دارند (حیاتی، ۱۳۸۰: ۱۷۱). دانش همزیستی و سازگاری با طبیعت، قلمرو گسترده با چشم‌اندازهای متنوع و جذاب طبیعی، تلاش و سخت کوشی آحاد عشایر برای تولید از دیگر قابلیت‌های اجتماعات عشایری است (مقدس جعفری، ۱۳۹۰: ۱۱۸). مهم‌ترین ویژگی جامعه عشایری کوچ و جابجایی بین محل‌های بیلاق و قشلاق برای دسترسی به مرتع می‌باشد. اما با رشد جمعیت عشایر از یک سو و کاهش منابع خدادادی به‌ویژه تبدیل مراتع و چراگاه‌ها به اراضی زراعی و مسکونی و نیز تخریب مراتع به‌عنوان منبع اصلی تأمین علوفه مورد نیاز دام، از بین رفتن ایل‌راه‌ها، مقرون به صرفه اقتصادی نبودن دامداری سنتی، آسیب‌پذیری زندگی عشایر در مقابل حوادث طبیعی و فروپاشی نظام ایل ناشی از عوامل سیاسی و اجتماعی، زندگی عشایری با مخاطرات فراوانی روبه‌رو شده است (رضوانی و دریکوند، ۱۳۸۶: ۱۳۴). از طرفی نیاز به آموزش و بهداشت، وجود مشکلات اقتصادی و ضرورت برقراری ارتباط پویا با جامعه، عشایر را ناگزیر از مهاجرت به شهرها و اسکان کرده است (علی‌پور و حجت، ۱۳۹۰: ۱۵۰). از طرفی اسکان عشایر تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار دارند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۹). عوامل داخلی که تشویق کننده اسکان هستند عبارتند از: خشکسالی، بیماری‌های حیوانی، کمبود مرتع، عدم برخورداری فرزندان عشایری از امکانات آموزشی، بهداشتی، تخریب ایل‌راه‌ها و مسیرهای کوچ سنتی (شکور و همکاران، ۱۳۹۰: ۲؛ شاطری و حجی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۸) در واقع این‌ها به‌عنوان دافعه‌های کوچ عمل می‌کنند که این شیوه زندگی را مشکل می‌سازند. عوامل بیرونی که به‌عنوان جاذبه‌های اسکان نیز عمل می‌کنند و به نحوی مشوق اسکان می‌باشند نیز عبارتند از: کاهش هزینه‌های اقتصادی مانند حمل‌ونقل، افزایش در امنیت

عمومی برای عشایر اسکان یافته، افزایش فرصت‌های شغلی در شهر یا روستا (شاطری و حجب‌پور، ۱۳۹۰: ۱۸؛ توکلی و ضیاءتوانا، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۴)، برنامه‌ریزی بهتر دولت برای برخورداری از امکانات و حل و فصل مشکلات عشایر (ابراهیم، ۱۹۸۴: ۱۲۵). اما در این بین افراد عشایر هستند که با مقایسه مزیت‌های اسکان و معایب کوچ تصمیم نهایی را جهت اسکان اتخاذ می‌کنند.

در استان اصفهان سایت‌های متفاوت عشایری طراحی و اجرا گردیده است. بیش‌ترین تعداد این سایت‌ها در شهرستان سمیرم برنامه‌ریزی شده‌اند و به مرحله اجرا درآمده‌اند. با وجود این‌که سازمان امور عشایر سایت‌های اسکان را طراحی و تجهیز کرده‌اند اما روند اسکان عشایر به کندی پیش می‌رود. در واقع خانوارهای عشایری هنوز تصمیم نهایی به اسکان در سایت‌های مورد نظر را نگرفته‌اند. عوامل مختلفی می‌تواند بر تصمیم آن‌ها به اسکان تاثیرگذار باشد. از یک طرف جاذبه‌های اسکان (خدمات آموزشی، خدمات زیر بنایی، خدمات بهداشتی و غیره) و از طرف دیگر دافع‌های کوچ (سختی‌ها و موانع) می‌تواند بر تصمیم به اسکان تاثیرگذار باشد. این مطالعه با هدف شناخت چگونگی تاثیر جاذبه‌های اسکان مانند انواع خدمات آموزشی، بهداشتی، زیرساختی، فرهنگی اجتماعی، کشاورزی و دافع‌های کوچ مانند تاثیر نقش مرتع، مسائل اجتماعی، مسائل ایلی و کوچ و مسائل و مشکلات فردی و تاثیر متغیرهای اقتصادی نظیر درآمد خانوار، هزینه‌های زندگی، تعداد دام، مالکیت زمین و تاثیر متغیرهای اجتماعی نظیر اسکان اعضای طایفه، گرایش جهان‌شهری بر تصمیم خانوار عشایر به اسکان طراحی شده است و میزان تاثیر هر یک از عوامل در تصمیم خانوارها به اسکان ارزیابی می‌گردد. بنابراین به‌طور مشخص اهداف زیر پیگیری می‌شود:

- شناخت میزان تاثیر جاذبه‌های اسکان و دافع‌های کوچ بر گرایش به اسکان در بین خانوارهای عشایری شهرستان سمیرم

- شناخت میزان تاثیر ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی افراد بر گرایش به اسکان

- شناخت میزان تاثیر ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی افراد بر جاذبه‌های اسکان و دافع‌های کوچ

مبانی نظری

علی‌رغم اهمیت نظریه‌ها، رویکردها و راهبردهای مختلف درباره اسکان، اما ادبیات توسعه در این زمینه از ضعف قابل توجهی برخوردار است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۱). با این حال بیش‌تر محققان اسکان عشایر را در قالب دیدگاه‌های توسعه روستایی تبیین کرده‌اند و در این راستا برای توسعه پایدار جامعه عشایری ایران، دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی توسط صاحبان اندیشه مطرح شده است. گروهی از نظریه‌پردازان اسکان عشایر را متناسب با مقتضیات فعلی و آتی جامعه عشایر می‌دانند، گروهی تداوم شیوه معیشت سنتی و گروهی با طرح موضوع رمة‌گردانی حالتی بینابین را مطرح می‌کنند (صیدایی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). از دیدگاه‌های مطرح در این زمینه، دیدگاه تأمین

نیازهای اساسی در فرآیند توسعه است (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۸). در این دیدگاه بر بهبود رفاه عمومی از طریق رفع نیازهای اساسی (بهداشت، مسکن، آموزش، خدمات زیربنایی و ...) توزیع عادلانه‌تر درآمدها و کاهش فقر تأکید شده است (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۲۸). برای تحقق آن نیز بر مشارکت توده‌های مردم تأکید شده است.

با توجه به ارتباط زندگی و شیوه معیشت جامعه عشایری با طبیعی و محیط‌زیست، فرآیند اسکان در چارچوب نظریه‌های زیست منطقه نیز قابل تبیین است. زیست منطقه مشتمل بر نظام‌های زندگی به هم پیوسته و خودنگه‌دار (از نظر باز تولید در طبیعت) است که روابط ارگانیک بین تمام اجزای آن برقرار است. تأکید آن بر ارزش‌های سستی، مذهبی، بومی، عشق به طبیعت و حیات وحش و گیاهان و همیاری در زندگی جمعی است (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۱۶). بیش‌تر چنین مولفه‌هایی در زندگی عشایری نمود دارد و در فرآیند پس از اسکان نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی نیز بر حفظ محیط‌زیست زندگی عشایری و فقرزدایی تأکید شده است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۰). همزمان با طرح دیدگاه‌های توسعه پایدار، رویکرد معیشت پایدار نیز در دهه‌ی ۱۹۸۰، به‌عنوان یک رویکرد جدید در مبحث توسعه روستایی و با هدف کاهش و ریشه‌کنی فقر روستایی، مطرح شد (کورنی و لیتوینوف^۶، ۱۹۸۸: ۱۸؛ شن^۷، ۲۰۰۹: ۲۴). این رویکرد بر یک طرز تفکر جامع و منسجم درباره کاهش فقر و توسعه روستایی تأکید کرده و به‌سرعت محبوبیت زیادی در میان محققان و دست‌اندرکاران توسعه به‌دست آورد (دی‌اف‌آی‌دی^۸، ۱۹۹۹: ۱۱). معیشت پایدار به معنای وجود ذخایر کافی و جریانی از غذا و پول نقد که برای نیازهای اساسی، ضروری می‌باشند دانست (چه‌شو و عمر^۹، ۲۰۱۲: ۶۰۳). معیشت، از قابلیت‌ها، دارایی‌ها و فعالیت‌های لازم برای گذران معاش تشکیل شده است و هنگامی پایدار است که بتواند با فشار و شوک‌ها سازگار شود و بهبود یابد، قابلیت‌ها و دارایی‌های خود را تقویت یا حفظ کند و فرصت‌های معیشت پایدار را برای نسل بعد نیز فراهم آورد (چمبرز و کانوی^{۱۰}، ۱۹۹۲: ۴۴-۴۲). بنابراین گرایش عشایر به اسکان برای رهایی از سختی‌های کوچ و نگرش مثبت و امید به دستیابی به معیشت پایدار و برخورداری از امکانات زندگی مدرن صورت می‌گیرد. اگر سختی‌های کوچ را به عنوان هزینه‌ها و امکانات موجود در شرایط اسکان را به‌عنوان منافع در نظر بگیریم می‌توان تصمیم به اسکان را در قالب نظریه انتخاب عقلانی^{۱۱} (کرایب، ۱۳۷۸: ۹۰) که چگونگی تصمیم افراد بر اساس منافع و هزینه‌ها را تبیین می‌کند نیز در نظر گرفت. که در این تحقیق این دیدگاه مورد توجه قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

تقوی (۱۳۸۲) مهم‌ترین عوامل بازدارنده اسکان عشایر را کافی نبودن تسهیلات زیر بنایی، عدم تامین سرمایه، وام و اعتبارات مکفی، کمبود زمین زراعی مناسب، عدم کفایت آب زراعی و مشروب می‌داند و مهم‌ترین دافعه‌های کوچ را

6- Corney and Litvinoff

7- Shen

8- DFID

9- Che Soh and Omar

10- Chambers and Conway

11- The Rational Choice Theory

به این شرح معرفی می‌کند: فقدان امکانات و تسهیلات زیر بنایی، وجود اختلافات قومی و قبیله‌ای، مشکلات موجود در ایل راه‌ها، مشکلات اقتصادی نظیر کمبود سرمایه و وام و اعتبار، فقدان یا عدم کفایت برنامه‌ریزی و اقدامات دولت، مشکلات فنی نظیر عدم آشنایی با زراعت، موانع فرهنگی مانند وابستگی ایلی، شیوه کوچ خانوار و دام و نظایر آن. اکبری و میزبان (۱۳۸۳) برخورداری تدریجی از امکانات زیربنایی و خدماتی مانند آب لوله‌کشی، برق، سوخت فسیلی و سایر امکانات رفاهی را پیش زمینه استقرار ثابت افراد خانوار عشایری را در یکی از قلمروهای سردسیر یا گرمسیر معرفی می‌کنند. ابروانی (۱۳۸۴) در تحقیق خود به این نتایج دست یافت که مهم‌ترین علت کوچ‌روی خانوارهای کوچ‌رو، نداشتن تخصصی دیگر، امرار معاش از طریق استفاده از مراتع طبیعی بوده است که عمدتاً از روی رضایت و یا علاقه شخصی و فردی صورت نمی‌گیرد. اما چون با اسکان دائم در منطقه قشلاق، زمینه اشتغال وجود ندارد، این شیوه را ادامه می‌دهند. مهم‌ترین علل علاقه افراد به اسکان نیز عبارت است از، عدم تحمل مشقات کوچ‌روی یا نداشتن درگیری در ارتباط با مراتع و استفاده از امکانات رفاهی ولو به مقدار کم بوده است که بر اساس انگیزه‌های اقتصادی و علاقه شخصی صورت نمی‌گیرد. رضوانی و همکاران (۱۳۸۶) مهم‌ترین زمینه‌هایی که طرح‌های اسکان در آن موفقیتی نداشته و باعث کاهش رضایت عشایر شده را دامداری، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و جلب مشارکت مردم می‌داند. نتایج مطالعات مهدوی و همکاران (۱۳۸۸)، با عنوان سنجش نگرش عشایر اسکان‌یافته نسبت به اسکان در استان چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد که در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، اسکان عشایر چندان موفقیت‌آمیز نبوده و وضعیت عشایر با از دست دادن اشتغال پایدار و وابستگی به مشاغل ناپایدار بدتر شده است.

نتایج پژوهش توکلی و ضیاتوانا (۱۳۸۸) بیانگر این است که اسکان در اتراق‌گاه‌های فصلی خطر حوادث طبیعی را افزایش داده است. کاهش شدید دام به‌عنوان منبع اصلی معیشت موجب کاهش درآمد و افزایش بیکاری شده است که بازتاب آن استمرار کوچندگی، مهاجرت‌های فصلی و گرایش به مهاجرت دائمی است؛ بنابراین تنوع‌بخشی به درآمد در قالب ظرفیت‌سازی توان‌های محلی و توانمندسازی عشایر اسکان‌یافته موجبات جذب بیش‌تر عشایر به طرح‌های اسکان می‌باشد. صیدائی (۱۳۸۹) مهم‌ترین مسایلی که در کانون‌های اسکان عشایر باید مورد توجه قرار گیرد را به این شرح معرفی می‌کنند: ضرورت حمایت از بنیان‌های تولید، اطمینان از داشتن درآمد مناسب، حمایت جدی برای برخورداری از خدمات آموزشی-بهداشتی-ترویجی، توجه به خدمات زیربنایی در کانون‌ها از جمله فضای کالبدی و معابر، ضرورت حمایت مالی برای تکمیل واحدهای مسکونی نیمه تمام، تکمیل زنجیره تولید و داشتن متولی خاص برای پیگیری امور. شکور و رضایی (۱۳۸۹) به این نتایج دست یافتند که جهت هر گونه برنامه‌ریزی در جهت تغییر معیشت باید از شرایط جغرافیایی طبیعی حاکم، باورهای اجتماعی، شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عشایر الهام گرفت. برخی تحقیقات نیز اشاره کرده‌اند که تغییرات در میزان درآمد خانوارها و به تبع آن پس‌انداز سالیانه پس از اسکان رشد قابل ملاحظه‌ای نداشته اما امکانات رفاهی و سواد افزایش یافته است (شاطری و حجتی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۷؛ شاطری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۶؛ نجاتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۵). به علاوه

افزایش امکانات اشتغال همواره به‌عنوان جاذبه اسکان و بیکاری نیز به‌عنوان مهم‌ترین مشکلات زندگی کوچ‌نشینی مطرح بوده است (قادرمرزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۳). در مطالعات خارجی نیز ابراهیم (۱۹۸۴: ۱۳۷) به این نتیجه رسیده که توسعه جامعه عشایری مستلزم فراهم‌سازی شرایط مختلفی است و فرآیند ساده‌ای نیست. به علاوه نتایج نشان داد که علاوه بر بهبود استاندارد زندگی در شرایط اسکان، ایجاد فرصت‌های شغلی بیش‌تر در نواحی اسکان نیز ضروری است. تهیم^{۱۲} (۱۹۷۹: ۲۹) در بررسی پروژه اسکان عشایر در مناطقی از سودان به این نتیجه رسیده است که ایجاد فرصت‌های کاری درآمدزا در پروژه اسکان نقش مهمی در تداوم اسکان داشته است. به علاوه این تحقیق نشان داد که چنین فرصت‌های شغلی از طریق افزایش خدمات دامپزشکی و آب بهداشتی و عرضه شیرهای تولیدی به کارخانجات محلی صورت گرفته است. همچنین در مطالعه‌ای توسط لیتتر (۲۰۱۴: ۷۷۸) در کمپ‌های عشایر ایتالیا محققان به این نتیجه رسیده‌اند که فراهم سازی خدمات اجتماعی همراه با جلب مشارکت دست‌اندرکاران در مراحل مختلف برنامه‌ریزی عامل موفقیت برنامه‌های اسکان می‌باشد.

مقایسه نتایج بیانگر این است که بیش‌تر تحقیقات داخلی بر وجود خدمات رفاهی، آموزشی و بهداشتی در کنار فرصت‌های شغلی در کانون‌های اسکان تأکید می‌کنند. به‌ویژه کاهش تعداد دام‌ها و تغییر الگوی دامداری به‌عنوان معیشت جایگزین در این زمینه مطرح شده است. در تحقیقات خارجی نیز ایجاد فرصت‌های شغلی درآمدزا از طریق ایجاد دامداری‌های صنعتی مورد تأکید بوده است. این تحقیقات تمام خدمات و امکاناتی که در شرایط اسکان فراهم است را به‌عنوان جاذبه‌های اسکان و تمام مشکلات و سختی‌های فعلی که در شرایط کوچ وجود دارد را به عنوان دافعه کوچ در نظر می‌گیرد. بنابراین نوآوری تحقیق این است که مجموعه‌ای ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی خانوارهای عشایری و همچنین جاذبه‌های و دافعه‌های کوچ را در الگوی تحلیل مسیر که اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را بر تصمیم به اسکان نشان می‌دهد بررسی می‌کند.

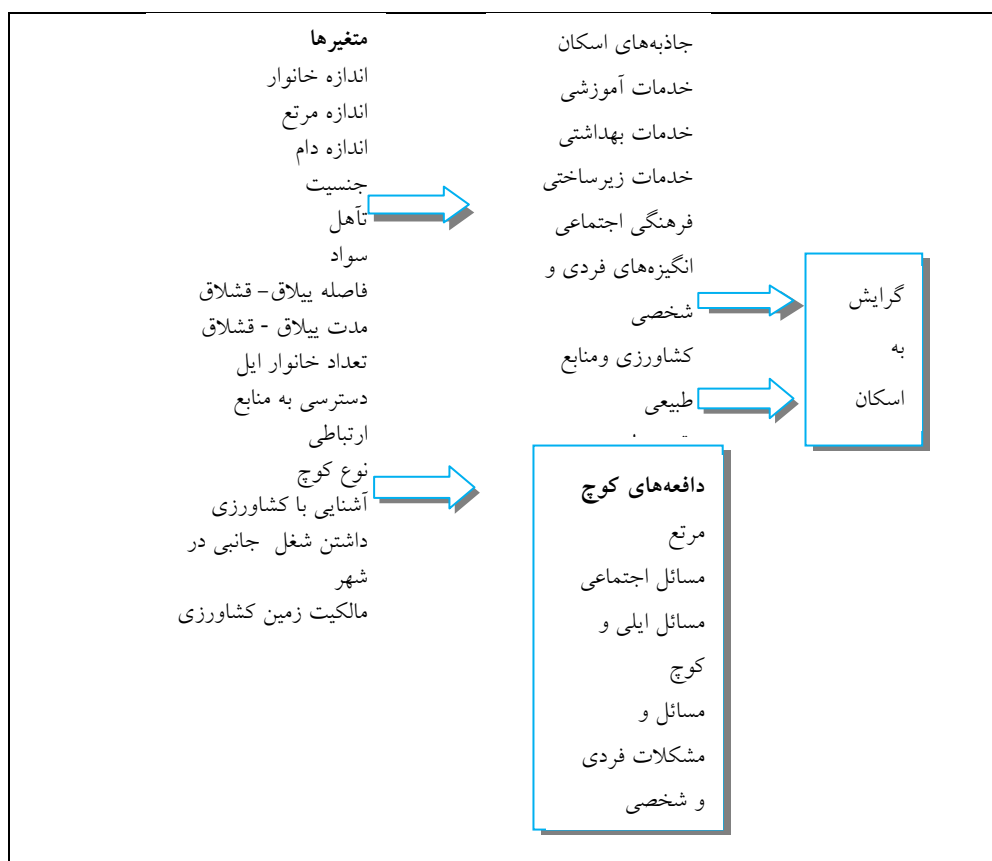
چارچوب مفهومی تحقیق

برای تدوین چارچوب مفهومی از نظریه انتخاب عقلانی^{۱۳} که چگونگی تصمیم افراد بر اساس منافع و هزینه‌ها را تبیین می‌کند و منطبق بر خصوصیات جامعه آماری این تحقیق است، استفاده شده است. مهم‌ترین اصل نظریه انتخاب عقلانی حداکثر کردن سود یا نفع شخصی در تصمیمات می‌باشد (کرایب، ۱۳۷۸: ۹۰). هومنز معتقد بود هر رفتاری که پاداش بیش‌تری برای فرد داشته باشد، احتمال این‌که آن رفتار از وی سر بزند بیش‌تر است. هومنز معتقد بود که انسان از یک سو در جستجوی حداکثر سود و از سوی دیگر در پی حداقل کردن هزینه‌ها است (کلمن، ۱۳۸۶: ۷۷). این تحقیق نیز فرض کرده که سختی‌ها و چالش‌های کوچ بر نگرش و در نهایت کردار افراد تأثیر می‌گذارد. بنابراین تصمیم به اسکان تحت تأثیر انتخاب عقلایی و با مقایسه منافع اسکان و همچنین هزینه‌ها یا

12- Thimm

13- The Rational Choice Theory

سختی‌های کوچ صورت می‌گیرد. بنابراین در انجام پژوهش حاضر، جاذبه‌های اسکان به‌عنوان منافع رفتار و دافعه‌های کوچ به‌عنوان هزینه‌های رفتار در بین خانوارهای عشایر بررسی می‌شود (شکل ۱).



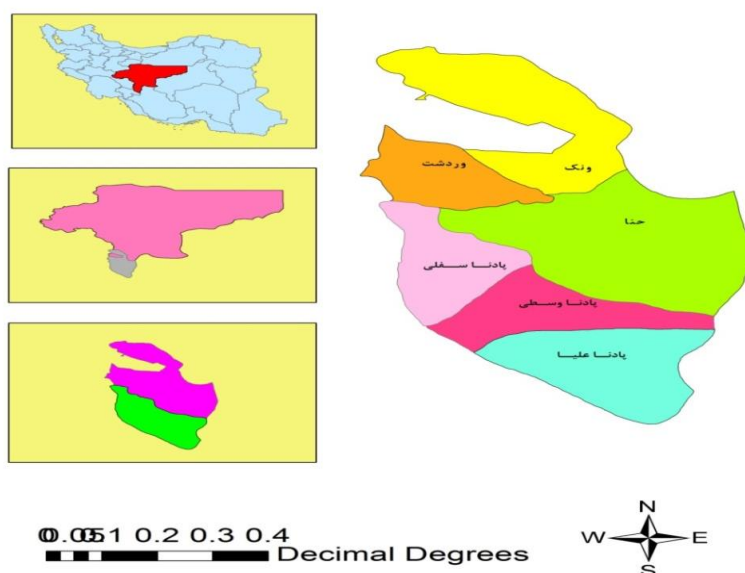
شکل ۱: چارچوب گرایش به اسکان

ناحیه مورد مطالعه

شهرستان سمیرم در ۱۶۵ کیلومتری جنوب اصفهان واقع شده است و با سه استان دیگر همسایه می‌باشد (شکل ۲). مساحت شهرستان سمیرم ۵۲۹۷/۵ کیلومتر مربع و منطقه‌ای کوهستانی است. شهرستان سمیرم دارای آب‌وهوای کوهستانی با زمستان‌های سرد و تابستان‌های خشک و معتدل است رودخانه‌های معروف آن عبارتند از ماربر، شمس‌آباد و حسین‌آباد که همگی یکجا به رودخانه خراسان ملحق می‌شوند^{۱۴}. از مجموع ۴۴۰۸۰۰ هکتار کل عرصه‌های ملی شهرستان سمیرم که معادل ۵/۵ درصد از عرصه‌های ملی استان است، ۳۹۳۰۰۰ هکتار معادل ۸۹ درصد آن را مراتع ییلاقی شامل می‌شود که با کیفیت‌های مختلف در سطح منطقه پراکنده شده‌اند. بر طبق سرشماری سال ۱۳۸۷ جمعیت عشایر کشور ۱۱۸۶۸۳۰ نفر می‌باشد که از این رقم عشایر استان اصفهان ۵۲۹۹۵ نفر می‌باشد، که

۱۴- برگرفته از سایت شهرداری سمیرم، ۱۳۹۴، به آدرس: <http://www.semirom.ir/index>

از این تعداد ۲۵۵۶۸ نفر (۴۸/۲٪) متعلق به شهرستان سمیرم می‌باشد (مرکز آمار ایران ۱۳۸۸). اکثریت عشایر این شهرستان را عشایر ایل قشقایی تشکیل می‌دهد. ایل قشقایی به شش طایفه عمله، شش بلوکی، دره‌شوری، فارسیمدان، کشکولی بزرگ و کشکولی کوچک تقسیم شده‌اند. منطقه ایل قشقایی در قشلاق از شمال استان بوشهر شروع شده در امتداد محور جنوبی استان فارس تا حوالی گچساران در نزدیکی بهبهان ادامه می‌یابد. در بهار و تابستان طوایف گوناگون ایل پس از طی مسافتی حدود ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر به سردسیر خود در شمال استان فارس و سمیرم استان اصفهان می‌رسند^{۱۵}.



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی شهرستان سمیرم

مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی مبتنی بر پیمایش پرسشنامه‌ای است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه سرپرستان خانوار عشایر کوچ‌رو منطقه سمیرم به تعداد ۴۸۴۵ می‌باشد. از طریق فرمول کوکران حجم نمونه ۱۳۴ نفر تعیین گردید که در نهایت اطلاعات ۱۳۰ نفر برای تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت^{۱۶}. نمونه‌ها به صورت تصادفی از بین سرپرستان خانوارهای عشایری به تفکیک طایفه‌ها انتخاب شدند. به این ترتیب از روی لیست خانوارهای عشایری ثبت شده در اداره امور عشایر شهرستان و با توجه به شناختی که کارشناسان این اداره از مکان سکونت هر کدام از طایفه‌ها داشتند، نمونه‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند. بنابراین از بین طایفه‌های عشایری شهرستان شش طایفه‌ی دره‌شوری، عمله، فارسیمدان، کشکولی بزرگ، کشکولی کوچک و شش بلوکی

۱۵- برگرفته از سایت ویکی‌پدیا، ۲۰۱۵ به آدرس: <https://fa.wikipedia.org/wiki/> شهرستان سمیرم

۱۶- در این تحقیق از طریق پیش‌آزمون مقدار p و q به ترتیب برابر با ۰/۹ و ۰/۱ انتخاب شد که بیانگر نسبت افراد دارای تمایل به اسکان و عدم تمایل به اسکان می‌باشد.

نمونه‌ها انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری متغیرها و سازه‌های تحقیق پرسشنامه‌ای بود که گویه‌های به‌کار برده شده در آن از بررسی ادبیات پیشین در مورد اسکان عشایر برگزیده شده بود. پرسشنامه شامل شش بخش بود. بخش اول مربوط به مشخصات فردی و خانوادگی (۶ سوال)، بخش دوم شامل سؤالاتی در خصوص وضعیت اقتصادی، بخش سوم شامل ویژگی‌های اسکان، بخش چهارم شامل گویه‌های سنجش گرایش به اسکان (۸ گویه)، بخش پنجم شامل گویه‌های سنجش جاذبه‌های اسکان و بخش ششم شامل گویه‌های سنجش دافعه‌های کوچ بود. همه نشانگرها، در قالب طیف پنج مقیاسی لیکرت و در محدوده هیچ تا خیلی زیاد اندازه‌گیری شد. روایی صوری و محتوایی سازه‌های پرسشنامه بر اساس نظر خبرگان محلی، کارشناسان سازمان عشایر شهرستان و استان و برخی اعضای هیأت علمی دانشگاه ارزیابی و تأیید شد. همچنین پایایی سازه‌ها و همسانی درونی گویه‌های هر سازه نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت که برای گرایش به اسکان، جاذبه‌های اسکان و دافعه‌های کوچ به ترتیب ۰/۶۸۱، ۰/۹۰۳ و ۰/۷۱۸ محاسبه شد. داده‌های به‌دست آمده از طریق نرم افزار SPSS²⁰ تجزیه و تحلیل شد. برای تحلیل داده‌ها از آمارهای توصیفی میانگین و انحراف معیار و فراوانی و درصد فراوانی استفاده شد. برای طبقه‌بندی میزان گرایش به اسکان در بین عشایر مورد مطالعه ابتدا از طریق محاسبه میانگین ردیفی گویه‌های مورد نظر متغیر ترکیبی گرایش به اسکان به‌دست آمده سپس از طریق فرمول موريس مقدار عددی متغیر مورد نظر بین ۰ تا ۱ تعیین شد. سپس مقدار این متغیر به پنج طبقه گرایش خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد با فاصله طبقاتی ۰/۲ تفکیک شد.

$$\text{متغیر ترکیبی گرایش به اسکان} = \frac{\text{مقدار حداقل} - \text{مقدار واقعی}}{\text{مقدار حداقل} - \text{مقدار حداکثر}}$$

به علاوه کاربرد دیگر این فرمول این است که برای استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای می‌توان مقدار حد وسط را ۰/۵ تعیین کرد. همچنین برای ارزیابی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته گرایش به اسکان با توجه به چارچوب نظری از طریق تکنیک تحلیل مسیر و به روش رگرسیون‌های متوالی میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم محاسبه شد. تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های چند متغیره می‌باشد که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته، اثرات غیرمستقیم این متغیرها را نیز مد نظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند.

یافته‌ها و بحث

۱- ویژگی‌های پاسخگویان

۹۴/۶ درصد از پاسخگویان مرد بودند. میانگین سنی پاسخگویان ۴۰/۰۶ سال بود و ۸۰ درصد آن‌ها متأهل بودند. از نظر تحصیلات، ۲۸/۵ درصد بی‌سواد، ۲۰ درصد تحصیلات ابتدایی و ۱۶/۲ درصد نیز دارای تحصیلات تا مقطع راهنمایی بودند. میانگین تعداد فرزند پسر و دختر هر خانوار به ترتیب ۲/۲۶ و ۲/۴۲ نفر بود. ۶۰ درصد پاسخگویان

از طایفه دره‌شوری، ۱۷/۷ درصد از عمله، ۶/۹ درصد از فارسیمدان و ۱۴/۶ درصد نیز از طایفه ششبلوکی بودند. میانگین اقامت پاسخگویان در ییلاق ۲/۱۱ ماه و میانگین اقامت در قشلاق ۷/۲۸ ماه بود. همچنین متوسط تعداد خانوارهایی که با هم کوچ می‌کنند ۴۷/۹۵ خانوار می‌باشد. ۸۳/۸ درصد از پاسخگویان به صورت ایلی کوچ می‌کردند و ۱۶/۲ درصد نیز کوچ انفرادی داشتند. به علاوه ۷۰/۸ درصد از خودرو برای کوچ استفاده می‌کردند. ۴۶/۹ درصد پاسخگویان بیان کردند که از رسانه‌های تصویری استفاده نمی‌کنند. ۴۲/۳ درصد بین دو تا سه ساعت استفاده می‌کردند. ۷۶/۹ درصد از چادر به‌عنوان مسکن استفاده می‌کردند و ۱۳/۱ درصد نیز مسکن آن‌ها به شکل اتاق بود و بقیه ترکیبی از هر دو بودند. در خصوص مالکیت دام میانگین تعداد گوسفند ۸۵/۷۱ رأس و میانگین بز، گاو، اسب و الاغ هم به ترتیب ۴۸/۹۳، ۳۰، ۱/۴۰ و ۲/۳۱ رأس بود. بیش‌تر درآمد از فروش دام زنده، محصولات دامی (شیر و پشم و پوست)، محصولات کشاورزی و صنایع دستی با میانگین ۱۷/۳۱۸ میلیون تومان به‌دست می‌آمد. در حالی که هزینه‌های مشابهی نیز برای علوفه، حمل‌ونقل، سوخت، دارو، بهداشت دام و هزینه‌های زندگی صورت می‌گرفت. ۸۰ درصد پاسخگویان دارای پروانه چرا، با میانگین تعداد ۱۶۳/۶۴ رأس دام مجاز در هر پروانه بودند. ۲۷/۷ درصد پاسخگویان بیان کردند که به کار کشاورزی آشنایی دارند. ۵۴/۶ درصد پاسخگویان بیان کردند که حاضرند با طایفه‌های دیگر در یک محل اسکان داشته باشند.

-گرایش به اسکان

(جدول ۱) آمار توصیفی گویه‌های گرایش به اسکان را نشان می‌دهد. چنانچه از جدول مشاهده می‌شود که مواردی مانند «سخت بودن زندگی کوچ‌نشینی»، «راحت و آسان بودن زندگی یکجانشینی» و «جوان‌ترها در پی شغل و حرفه‌ای دیگر باشند» میانگین بالاتری را دارا هستند. برای طبقه‌بندی میزان گرایش به اسکان در بین عشایر مورد مطالعه ابتدا از طریق محاسبه میانگین ردیفی گویه‌های گرایش به اسکان، متغیر ترکیبی آن به‌دست آمد، سپس از طریق فرمول موريس مقدار عددی این متغیر به عددی بین ۰ تا ۱ تبدیل شد. در نهایت میزان گرایش به اسکان به‌صورت زیر به‌دست آمد.

جدول ۱- آمار توصیفی گویه‌های مربوط به گرایش به اسکان

رتبه	انحراف معیار	میانگین	متغیرها
۴	۱/۱۱	۴/۰۷	در صورت تأمین یک مکان مناسب حتماً با خانواده در آنجا زندگی خواهم کرد.
۸	۱/۷۴	۲/۸۴	من وضعیت زندگی افرادی که اسکان یافته‌اند را قبول ندارم.
۳	۱/۱۷	۴/۲۰	دوست دارم جوان‌ترها در پی شغل و حرفه دیگری باشند.
۵	۱/۳۳	۳/۹۸	من همیشه دیگران را نیز به اسکان تشویق می‌کنم.
۷	۱/۹۴	۳	کوچ‌نشینی در خون ماست و به آن عادت کرده‌ایم.
۱	۱/۰۳	۴/۳۴	زندگی کوچ‌نشینی سخت و غیرممکن شده است.
۶	۱/۷۲	۳/۲۰	آمادگی دارم زندگی کوچ‌نشینی را رها کنم.
۲	۱/۲۸	۴/۲۶	زندگی یکجانشینی راحت و آسان است.

با توجه به اطلاعات حاصله از (جدول ۲)، درصد افرادی که گرایش زیاد به اسکان دارند ۲۵/۴ درصد می‌باشد. ۶/۹ درصد از افراد گرایش خیلی زیاد به اسکان دارند. درصد گرایش متوسط، کم و خیلی کم به اسکان در بین جامعه مورد مطالعه به ترتیب ۴۰/۸، ۶/۲ و ۲۰/۰ می‌باشد.

جدول ۲- طبقه‌بندی میزان گرایش به اسکان در بین عشایر

میزان گرایش	سطح طبقات	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کم	۰-۰/۲	۸	۶/۲	۶/۲
خیلی کم	۰/۲۱-۰/۴	۲۶	۲۰/۰	۲۰/۲
متوسط	۰/۴۱-۰/۶۰	۵۳	۴۰/۸	۴۱/۱
زیاد	۰/۶۱-۰/۸۰	۳۳	۲۵/۴	۲۵/۶
خیلی زیاد	۰/۸۱-۱	۹	۶/۹	۷/۰

- جاذبه‌های اسکان

(جدول ۳) وضعیت متغیرهای سنجش جاذبه‌های اسکان را از جنبه‌های مختلف نشان می‌دهد. با توجه به جدول مشاهده می‌شود که از میان خدمات آموزشی «دسترسی به مدرسه راهنمایی»، از میان خدمات بهداشتی «دسترسی به آب آشامیدنی سالم»، از بین خدمات زیرساختی «دسترسی به راه روستایی»، از بین خدمات فرهنگی و اجتماعی «امنیت خانواده»، از بین انگیزه‌های فردی و شخصی «زندگی با اقوام و خویشاوندان»، از بین امکانات کشاورزی و منابع طبیعی «امکان داشتن زمین کشاورزی مستقل» و از بین متغیرهای مربوط به نقش دولت، «بخشش وام و معافیت‌های مالیاتی» به عنوان مهم‌ترین جاذبه‌های اسکان در بین عشایر مورد مطالعه اهمیت دارند.

- دافعه‌های کوچ

(جدول ۴) وضعیت متغیرهای سنجش دافعه‌های کوچ را از جنبه‌های مختلف نشان می‌دهد. با توجه به جدول مشاهده می‌شود که از بین مسائل مرتع «بروز خشکسالی و کمبود علوفه»، از بین مسائل اجتماعی «کمبود نیروی کار خانوادگی برای چوپانی»، در قسمت مسائل ایلی و کوچ «واگذاری و تخریب ایل‌راها و ساخت‌وساز در مسیر کوچ»، در قسمت مسائل و مشکلات فردی و شخصی «خستگی از شرایط موجود و تمایل به رهایی از مشکلات» و در بخش هزینه‌ها «افزایش کرایه حمل و نقل» به عنوان مهم‌ترین دافعه‌های کوچ مطرح شدند.

جدول ۳- آمار توصیفی گویه‌های مربوط به جاذبه‌های اسکان

رتبه	انحراف معیار	میانگین	
خدمات آموزشی			
۲	۰/۹۸	۴/۱۹	دسترسی به مدرسه ابتدایی
۱	۱/۰۱	۴/۲۸	دسترسی به مدرسه راهنمایی
۳	۱/۱۹	۴/۱۲	دسترسی به دبیرستان
۵	۱/۵۱	۳/۶۵	دسترسی به کلاس درس نهضت سوادآموزی
۴	۱/۳۶	۳/۹۴	دسترسی به آموزش فنی و حرفه‌ای (مهارتی)
خدمات بهداشتی			
۳	۰/۹۹	۴/۲۸	دسترسی به خدمات درمانگاهی و بیمارستان
۱	۰/۸۲	۴/۵۲	دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی
۲	۰/۸۰	۴/۳۵	دسترسی به خانه بهداشت
خدمات زیرساختی			
۳	۰/۹۰	۴/۲۸	دسترسی به جایگاه عرضه مواد سوختی (نفت، گاز و بنزین)
۱	۰/۷۷	۴/۳۷	دسترسی به راه روستایی
۲	۱/۰۰	۴/۳۱	دسترسی به شبکه برق
۶	۰/۸۹	۴/۱۹	دسترسی ارزان‌تر و راحت‌تر به کالا و اجناس مورد نیاز
۵	۰/۸۱	۴/۲۰	دسترسی به بازار برای فروش محصولات
۴	۰/۸۰	۴/۲۸	دسترسی به وسیله نقلیه برای جابجایی
فرهنگی اجتماعی			
۲	۱/۲۸	۳/۹۸	دسترسی به مسجد و حسینیه
۶	۱/۳۹	۳/۱۰	دسترسی به کتابخانه روستایی
۵	۱/۴۲	۳/۴۲	دسترسی به امکانات تفریحی و سرگرمی ورزشی
۴	۱/۱۵	۳/۷۸	در جریان اخبار و اطلاعات روز قرار گرفتن
۳	۱/۱۸	۳/۸۶	آشنایی با شیوه‌ها و روش‌های جدید زندگی
۱	۰/۷۴	۴/۵۹	امنیت بیش‌تر خانواده
انگیزه‌های فردی و شخصی			
۱	۰/۷۸	۴/۴۸	زندگی با اقوام و خویشاوندی که اسکان یافته‌اند
۲	۰/۶۵	۴/۴۲	ایجاد راحتی بیش‌تر برای اعضای خانواده
کشاورزی و منابع طبیعی			
۵	۱/۲۱	۴/۱۳	امکان برقی کردن چاه‌های کشاورزی
۴	۰/۹۷	۴/۲۰	امکان دسترسی به وام و اعتبارات کشاورزی
۳	۰/۸۳	۴/۴۳	امکان سودآوری بیش‌تر در کار کشاورزی
۱	۰/۸۴	۴/۶۴	امکان داشتن زمین کشاورزی مستقل
۲	۰/۷۷	۴/۴۸	امکان بهره‌وری بیش‌تر از زمین کشاورزی
نقش دولت			
۳	۱/۳۱	۴/۲۴	واگذاری اراضی موات و مرتع از طرف دولت
۲	۱/۱۰	۴/۳۲	پرداخت وام و کمک‌هزینه برای اسکان
۱	۱/۰۶	۴/۳۴	بخشش وام‌ها و همچنین معافیت‌های مالیاتی

جدول ۴- آمار توصیفی گویه‌های مربوط به دافعه‌های کوچ

رتبه	انحراف معیار	میانگین	متغیرها
مرتج			
۱۰	۲/۰۵	۱/۶۹	شخم زدن مرتج و تبدیل نمودن به دیمزار
۵	۱/۹۸	۲/۵۸	نداشتن پروانه چرا توسط افراد دامدار
۴	۲/۱۴	۲/۸۲	کاهش تعداد دام مجاز هر پروانه چرا در دوره‌های ممیزی
۷	۲/۰۶	۲/۳۵	واگذاری عرصه‌های مرتعی به غیر توسط اداره منابع طبیعی
۸	۱/۸۸	۲/۱۱	رعایت نشدن حقوق عشایر در هنگام صدور پروانه چرا
۹	۱/۶۵	۱/۷۲	رعایت نشدن زمان ورود و خروج به مرتج
۶	۲/۱۷	۲/۴۹	بهره‌برداری مرتج توسط دامداران روستایی
۱	۱/۰۴	۴/۴۴	بروز خشکسالی و کمبود علوفه در مرتج
۳	۱/۴۴	۳/۵۸	افزایش استفاده از مرتج و چرای افراطی
۲	۱/۲۵	۴/۰۵	کاهش سطح مرتج
مسائل اجتماعی			
۴	۱/۷۱	۳/۵۲	ضعیف شدن فرهنگ کوچ عشایری و میل به شهری شدن
۵	۱/۶۵	۳/۲۷	نگرش نامناسب جامعه به زندگی کوچ‌نشینی
۳	۱/۱۴	۴/۱۰	نبود شغل مناسب برای جوانان عشایری
۲	۱/۰۳	۴/۱۳	مهاجرت نیروی کار عشایر به شهرها
۱	۱/۰۲	۴/۴۱	کمبود نیروی کار خانوادگی برای چوپانی
مسائل ایلی و کوچ			
۶	۱/۸۴	۲/۹۲	کاهش همیاری و مشارکت بین عشایر
۷	۱/۷۲	۱/۵۰	افزایش اختلافات در بین خانوارهای عشایری
۱	۰/۹۸	۴/۵۸	واگذاری و تخریب ایل‌راه‌ها و ساخت‌وساز در مسیر کوچ
۵	۱/۰۸	۳/۹۶	از بین رفتن نظم کوچ جمعی و جایگزینی آن به فردی و خانوادگی
۲	۰/۹۷	۴/۴۷	دشواری تامین آب در برخی مناطق
۳	۱/۰۶	۴/۳۶	ناامنی ایل‌راه‌ها و خطر سرقت دام
۴	۱/۱۲	۳/۹۷	حذف قدرت ایلی
مسائل و مشکلات فردی و شخصی			
۱	۱/۰۰	۴/۴۲	خستگی از وضعیت موجود و تمایل به رهایی از مشکلات
۲	۰/۷۸	۴/۴۰	سختی زندگی عشایری برای اعضای خانواده
۸	۱/۷۵	۲/۶۱	آسیب‌پذیری زندگی عشایر در مقابل حوادث طبیعی
۹	۱/۴۱	۲/۵۸	عدم دسترسی به استانداردهای زیستی و حداقل‌های معیشت
۶	۱/۴۵	۳/۱۳	فقر و تنگدستی و نداشتن دام به مقدار کافی
۷	۱/۷۶	۲/۶۸	نداشتن مرتج در قشلاق، ییلاق یا هر دوی آن
۴	۱/۷۷	۳/۵۳	پاسخگو نبودن زندگی کوچ روی به خواسته‌های فرزندان تحصیل کرده
۳	۱/۱۱	۴/۱۹	عدم علاقه جوانان به ادامه کوچ روی
۵	۱/۵۱	۳/۴۳	نداشتن مسکن مناسب
۱۰	۱/۸۲	۱/۸۵	رنج بردن از بیماری
هزینه‌ها			
۱	۰/۶۱	۴/۸۱	افزایش کرایه حمل‌ونقل دام‌ها از ییلاق به قشلاق و بالعکس
۲	۰/۷۱	۴/۶۵	افزایش قیمت علوفه و مشکلات تأمین هزینه علوفه
۳	۳/۵۸	۴/۶۰	افزایش هزینه بابت حفظ امنیت دام
۵	۱/۱۲	۴/۳۳	پرداخت حق‌الزحمه چوپان
۴	۰/۹۸	۴/۳۶	هزینه‌های دامپزشکی

- نتایج تحلیل مسیر

برای بررسی تاثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل مورد مطالعه بر متغیر وابسته گرایش به اسکان از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. پس از انجام مراحل، ضریب مسیر که بیانگر مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم (ارزش Beta) متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نهایی گرایش به اسکان می‌باشد، از طریق انجام تحلیل‌های رگرسیونی متوالی به دست آمد. برای محاسبه ضرایب مسیر، سه تحلیل رگرسیونی انجام شد. در مرحله اول متغیر گرایش به اسکان به عنوان متغیر وابسته و در مراحل بعد به ترتیب جاذبه‌های اسکان و دافعه‌های کوچ به عنوان متغیر وابسته لحاظ شدند.

همان‌گونه که (جدول ۵) نشان می‌دهد، مقدار ضریب تعیین برای متغیر وابسته جاذبه‌های اسکان برابر با ۰/۳۸۷ هست که نشان می‌دهد ۳۸/۷ درصد تغییرات این متغیر توسط یازده متغیر مستقل مربوطه تبیین می‌گردند. با توجه به مقدار $F(6/58)$ ، معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها در سطح ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود. با توجه به ستون بتا و سطح معنی‌داری در (جدول ۵)، مشاهده می‌شود که تنها متغیرهای درآمد عشایری (۰/۳۱۴-) و اسکان اعضای طایفه (۰/۲۴۲) دارای تأثیر مستقیم و معناداری بر متغیر وابسته جاذبه‌های اسکان هستند و اثرات سایر متغیرها معنی‌دار نمی‌باشد و آن‌ها تأثیر بسیار ضعیفی در پیش‌بینی متغیر وابسته جاذبه‌های اسکان دارند.

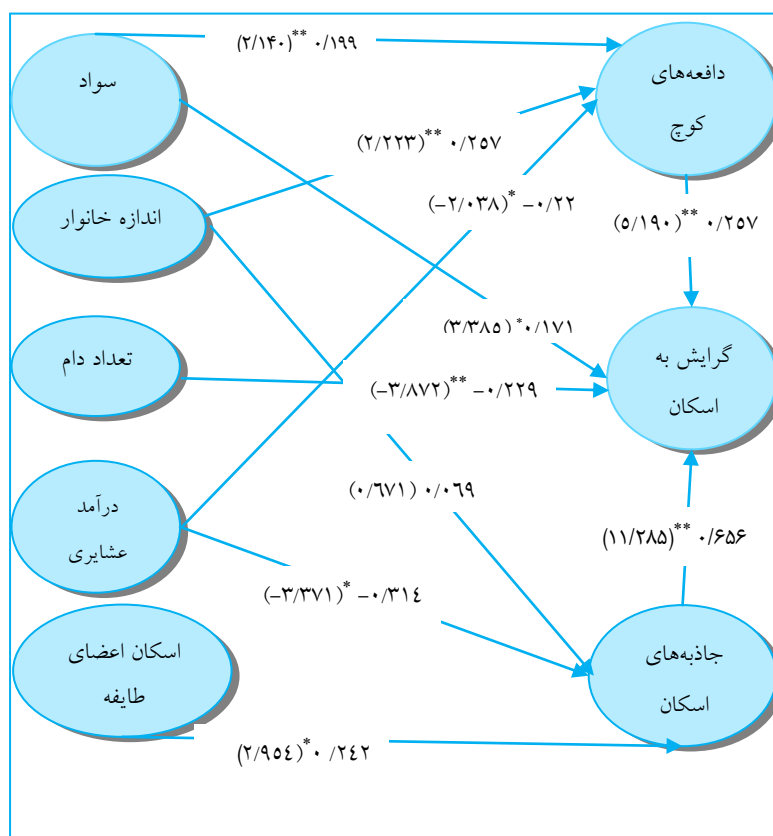
در خصوص متغیر وابسته دافعه‌های کوچ نیز با توجه به مقدار ضریب تعیین در (جدول ۵) مشاهده می‌شود که ۲۳/۰ درصد تغییرات این متغیر توسط یازده متغیر مستقل مربوطه تبیین می‌گردند. با توجه به مقدار $F(2/84)$ ، معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها در سطح ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود. با مشاهده سطوح معنی‌داری ضرایب بتا در جدول مشخص می‌شود که متغیرهای سواد (۰/۱۹۹)، اندازه خانوار (۰/۲۵۷) و درآمد عشایری (۰/۲۲۴-) دارای تأثیر مستقیم و معناداری بر جاذبه‌های اسکان هستند و اثر سایر متغیرها معنی‌دار نمی‌باشند و در پیش‌بینی متغیر وابسته دافعه‌های کوچ تأثیر ضعیف دارند.

در خصوص متغیر وابسته گرایش به اسکان نیز با توجه به مقدار ضریب تعیین در (جدول ۵) مشاهده می‌شود که ۷۸/۶ درصد تغییرات این متغیر توسط سیزده متغیر مستقل مربوطه تبیین می‌گردند. با توجه به مقدار $F(6/59)$ ، معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها در سطح ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود. با مشاهده سطوح معنی‌داری ضرایب بتا در جدول مشخص می‌شود که متغیرهای جاذبه‌های اسکان (۰/۶۵۶)، سواد (۰/۱۷۱)، تعداد دام (۰/۲۲۹-) و دافعه‌های کوچ (۰/۲۵۷) دارای تأثیر مستقیم معنی‌داری بر گرایش به اسکان بوده‌اند و اثرات سایر متغیرها معنی‌دار نمی‌باشد و آن‌ها تأثیر بسیار ضعیفی در پیش‌بینی متغیر وابسته دارند.

جدول ۵- تحلیل رگرسیونی عوامل موثر بر گرایش به اسکان

متغیرها	B	خطای معیار	مقدار بتا	مقدار T	معنی داری
جاذبه‌های اسکان					
سواد	۰/۳۳۹	۰/۲۶۱	۰/۱۰۷	۱/۳۰۱	۰/۱۹۶
مالکیت زمین زراعی	۰/۱۰۲	۱۵/۴۵۳	۰/۰۲۲	۰/۲۰۱	۰/۸۴۱
اسکان اعضای طایفه	۷/۴۰۳	۲/۵۰۶	۰/۲۴۲	۲/۹۵۴	۰/۰۰۴
اندازه مرتع	-۴/۷۹۶	۷/۴۷۳	-۰/۰۶۶	-۰/۶۴۲	۰/۵۲۲
اندازه خانوار	۴/۹۹۰	۷/۴۳۳	۰/۰۶۹	۰/۶۷۱	۰/۵۰۳
دسترسی به منابع اطلاعاتی	۸/۰۰۸	۷/۵۶۹	۰/۱۱۱	۱/۰۵۸	۰/۲۹۲
درآمد عشایری	-۱۰/۲۸۰	۳/۰۵۰	-۰/۳۱۴	-۳/۳۷۱	۰/۰۰۱
فاصله بیلاق تا قشلاق	۱۲/۶۴۸	۶/۸۳۴	۰/۱۶۷	۱/۸۵۱	۰/۰۶۷
هزینه کوچ	۱/۱۳۳	۶/۹۵۲	۰/۰۱۴	۰/۱۶۳	۰/۸۷۱
سن	-۱۲/۶۵۱	۸/۲۵۴	-۱/۷۸	-۱/۵۳۳	۰/۱۲۸
تعداد دام	-۵/۷۹۱	۷/۷۳۹	-۰/۰۷۳	-۰/۷۴۸	۰/۴۵۶
خلاصه مدل: $R^2 = 0.387$, F-value = 6.58, Sig = 0.00					
دافعه‌های کوچ					
سواد	۰/۱۲۴	۰/۰۵۸	۰/۱۹۹	۲/۱۴۰	۰/۰۳۵
مالکیت زمین زراعی	۱/۸۲۵	۳/۴۰۹	۰/۰۶۷	۰/۵۳۵	۰/۵۹۳
اسکان اعضای طایفه	۰/۹۰۹	۰/۵۷۳	۰/۱۵۱	۱/۵۸۵	۰/۱۱۶
اندازه مرتع	-۳/۱۳۳	۱/۶۵۱	-۰/۲۲۱	-۱/۸۹۷	۰/۰۶۰
اندازه خانوار	۳/۶۵۲	۱/۶۴۳	۰/۲۵۷	۲/۲۲۳	۰/۰۲۸
دسترسی به منابع اطلاعاتی	۲/۹۲۴	۱/۶۷۸	۰/۲۰۷	۱/۷۴۳	۰/۰۸۴
درآمد عشایری	-۱/۴۳۷	۰/۷۰۵	-۰/۲۲۴	-۲/۰۳۸	۰/۰۴۴
فاصله بیلاق تا قشلاق	۰/۷۸۴	۱/۵۳۰	۰/۰۵۳	۰/۵۱۳	۰/۶۰۹
هزینه‌های کوچ	۲/۱۰۳	۱/۵۳۴	۰/۱۳۷	۱/۳۷۲	۰/۱۷۳
سن	۳/۵۴۷	۱/۸۳۹	۰/۲۵۵	۱/۹۲۹	۰/۰۵۶
تعداد دام	-۰/۳۳۲	۱/۷۱۱	-۰/۰۲۱	-۰/۱۹۴	۰/۸۴۶
خلاصه مدل: $R^2 = 0.230$, F-value = 2.84, Sig = 0.00					
گرایش به اسکان					
سواد	۰/۳۱۰	۰/۰۹۲	۰/۱۷۱	۳/۳۸۵	۰/۰۰۱
مالکیت زمین زراعی	۷/۵۴۰	۵/۲۸۷	۰/۰۹۵	۱/۴۲۶	۰/۱۵۷
اسکان اعضای طایفه	۰/۸۱۷	۰/۹۱۲	۰/۰۴۷	۰/۸۹۷	۰/۳۷۲
اندازه مرتع	-۳/۶۳۹	۲/۶۶۵	-۰/۰۸۵	-۱/۳۶۵	۰/۱۷۵
اندازه خانوار	۳/۷۱۶	۲/۶۴۰	۰/۰۸۹	۱/۴۰۸	۰/۱۶۲
دسترسی به منابع اطلاعاتی	۴/۹۴۳	۲/۶۳۷	۰/۱۲۱	۱/۸۷۴	۰/۰۶۴
درآمد عشایری	-۲/۰۹۳	۱/۱۱۴	-۰/۱۱۲	-۱/۸۷۹	۰/۰۶۳
فاصله بیلاق تا قشلاق	۲/۲۲۸	۲/۳۹۶	۰/۰۵۱	۰/۹۳۰	۰/۳۵۴
هزینه‌های کوچ	۲/۴۴۲	۲/۳۹۴	۰/۰۵۵	۱/۰۲۰	۰/۳۱۰
سن	-۲/۱۱۲	۲/۹۱۵	-۰/۰۵۲	-۰/۷۲۵	۰/۴۷۰
تعداد دام	-۱۰/۳۲۴	۲/۶۶۶	-۲/۲۹	-۳/۸۷۲	۰/۰۰۰
خلاصه مدل: $R^2 = 0.786$, F-value = 6.59, Sig = 0.00					

(شکل ۳)، نتایج تحلیل مسیر متغیرهای موثر بر گرایش به اسکان را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شد که متغیرهای سواد، تعداد دام، دافعه‌های کوچ و جاذبه‌های اسکان تأثیر مستقیم و معنی‌داری بر گرایش به اسکان دارد. به‌علاوه متغیرهای سواد، اندازه خانوار، درآمد عشایری و اسکان اعضای طایفه اثرات غیرمستقیم از طریق دو متغیر واسطه‌ای بر متغیر نهایی گرایش به اسکان دارند.



شکل ۳: نتایج تحلیل مسیر برای متغیرهای معنی‌دار بر گرایش به اسکان (مقادیر داخل پرانتز t و سطح معنی‌داری را نشان می‌دهد)

با توجه به (جدول ۶) (ستون مجموع اثرات)، بیش‌ترین تأثیر بر گرایش به اسکان مربوط به متغیر جاذبه‌های اسکان (0.656^{**}) است. متغیر مستقل دافعه‌های کوچ با میزان تأثیر کل 0.257^{**} در جایگاه دوم قرار دارد. این نتایج بیانگر این است که هرچه قدر افراد عشایری جاذبه‌های اسکان و دافعه‌های کوچ را بیش‌تر ارزیابی کنند تمایل بیش‌تری برای اسکان دارند. متغیرهای سواد تأثیر کل آن 0.222^{**} ، متغیر اسکان اعضای طایفه با اثر کل 0.158^{*} و اندازه خانوار با اثر کل 0.111^{*} در رتبه‌های بعدی قرار دارند. تمام این‌ها تأثیر مستقیم بر گرایش به اسکان داشته‌اند در حالی که متغیرهای تعداد دام و درآمد عشایری با اثرات کل -0.229^{**} و -0.148^{*} دارای تأثیر معکوس بر گرایش به اسکان هستند.

جدول ۶- مجموع تأثیرات متغیرهای مستقل بر گرایش به اسکان

متغیر مستقل	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	مجموع اثرات
جاذبه‌های اسکان+	-	۰/۶۵۶	۰/۶۵۶
دافعه‌های کوچ+	-	۰/۲۵۷	۰/۲۵۷
سواد+	۰/۰۵۱	۰/۱۷۱	۰/۲۲۲
اندازه خانوار+	۰/۱۱۱	-	۰/۱۱۱
تعداد دام-	-	-۰/۲۲۹	-۰/۲۲۹
درآمد عشایری (فروش دام، محصولات دامی و صنایع دستی)-	-۰/۱۴۸	-	-۰/۱۴۸
اسکان اعضای طایفه+	۰/۱۵۸	-	۰/۱۵۸
کل			۱/۳۲۴

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که ۳۲/۳ درصد خانوارها گرایش زیاد و خیلی زیاد و ۴۰/۸ درصد نیز گرایش متوسط به اسکان داشتند. این نتایج بیانگر غالب بودن گرایش به اسکان در بین خانوارهای عشایری در ناحیه مورد مطالعه است که در برخی تحقیقات پیشین نیز تأکید شده است که به علت سختی‌های زندگی کوچ‌نشینی تمایل به اسکان در بین خانوارهای عشایری افزایش یافته است (خورسند، ۱۳۶۸؛ ۵۱؛ عبدالمی، ۱۳۸۶؛ ۵۰). ایروانی (۱۳۸۴؛ ۶۸) نیز اشاره کرده که خانوارهای عشایری از روی رضایت و یا علاقه شخصی و فردی زندگی کوچ‌نشینی را انتخاب نکرده‌اند و فقط به علت نداشتن تخصصی دیگر و شیوه متفاوتی از امرار معاش زندگی کوچ‌نشینی را انتخاب کرده‌اند.

همچنین نتایج نشان داد که از میان خدمات آموزشی «دسترسی به مدرسه راهنمایی»، از میان خدمات بهداشتی «دسترسی به آب آشامیدنی سالم»، از بین خدمات زیرساختی «دسترسی به راه روستایی»، از بین خدمات فرهنگی و اجتماعی «امنیت خانواده»، از بین انگیزه‌های فردی و شخصی «زندگی با اقوام و خویشاوندان»، از بین امکانات کشاورزی و منابع طبیعی «امکان داشتن زمین کشاورزی مستقل» و از بین متغیرهای مربوط به نقش دولت، «بخشش وام و معافیت‌های مالیاتی» به‌عنوان مهم‌ترین جاذبه‌های اسکان بیان شد. در واقع توسعه چنین خدمات در تمامی برنامه‌های اسکان مورد نظر برنامه‌ریزان نیز می‌باشد که در اینجا توسط خانوارهای عشایری مورد تأکید قرار گرفته است. توسعه خدمات اجتماعی اقتصادی و رفاهی در کانون‌های اسکان نیز در بیشتر تحقیقات در زمینه توسعه جوامع عشایری مورد تأکید قرار گرفته است (صیدایی، ۱۳۸۹؛ ۱۴۰؛ اکبری و میزبان، ۱۳۸۳؛ ۳۸؛ آقاسی‌زاده و حسینی‌درویشانی، ۱۳۸۹؛ ۲۴). در تحقیق تقوی (۱۳۸۲) نیز بیان شد که خانوارهای عشایری وجود تسهیلات زیربنایی نظیر راه، برق، امکانات آموزشی را مهم‌ترین اولویت و شرط اولیه اسکان تلقی می‌کنند. پس از آن سه پیش نیاز مهم اسکان را امکان تأمین سرمایه و وام و اعتبار، زمین زراعی و آب زراعی و آب مشروب دانسته‌اند. بنابراین تأکید بر فراهم‌سازی چنین خدماتی در طرح‌های توسعه اسکان در ناحیه مورد مطالعه باید مورد توجه قرار گیرد.

اولویت‌بندی متغیرهای مربوط به دافعه‌های کوچ نیز نشان داد که از بین مسائل مرتع «بروز خشکسالی و کمبود علوفه»، از بین مسائل اجتماعی «کمبود نیروی کار خانوادگی برای چوپانی»، از بین مسائل ایلی و کوچ «واگذاری و تخریب ایل‌راه‌ها و ساخت‌وساز در مسیر کوچ»، از بین مسائل و مشکلات فردی و شخصی «خستگی از شرایط موجود و تمایل به رهایی از مشکلات» و در بخش هزینه‌ها «افزایش کرایه حمل‌ونقل» به‌عنوان مهم‌ترین دافعه‌های کوچ مطرح شدند. بیش‌تر این موارد به‌عنوان سختی‌ها و مشقات زندگی عشایری که به عاملی بازدارنده برای ادامه زندگی کوچ‌نشینی عمل می‌کنند در تحقیقات پیشین اشاره شده است (توکلی و ضیاتوانا، ۱۳۸۸: ۵۴؛ صیدایی، ۱۳۷۷: ۸۷؛ شکور و همکاران، ۱۳۹۰: ۲؛ شاطری و حبیبی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۸).

نتایج حاصل از روش تحلیل مسیر نشان داد که بیش‌ترین تأثیر بر گرایش به اسکان مربوط به متغیرهای جاذبه‌های اسکان (با میزان تأثیر کل ۰/۶۵۶) و دافعه‌های کوچ (با میزان تأثیر کل ۰/۲۵۷) می‌باشد. این نتیجه تأییدکننده نظریه انتخاب عقلانی (وبر، ۱۳۷۴؛ کلمن، ۱۳۸۶) است که بر گزینش معقولانه تأکید می‌کند. در مدل مفهومی تحقیق نیز تأثیر جاذبه‌های اسکان و دافعه‌های کوچ جایگاه مهم‌تری در تبیین گرایش به اسکان داشتند. با توجه به این‌که در کانون‌های موجود اسکان خدمات قابل‌توجهی برای خانوارهای عشایری اسکان یافته فراهم شده است، بنابراین خانوارهای کوچ‌رو با مقایسه مزیت‌های کانون‌های اسکان نسبت به زندگی فعلی کوچ‌نشینی تمایل بیش‌تری به اسکان از خود نشان دادند. بنابراین معرفی بیش‌تر جاذبه‌های اسکان و تأمین خدمات متنوع می‌تواند جذب بیش‌تری را دنبال داشته باشد. به‌ویژه این‌که سرمایه‌گذاری زیادی جهت توسعه کانون‌های اسکان عشایر در سمیرم انجام شده است. علاوه بر این‌ها افزایش آگاهی در مورد دورنمای زندگی کوچ‌نشینی نیز می‌تواند بر گرایش افراد و استفاده از خدمات طراحی شده در کانون‌های اسکان موثر باشد که این مورد نیز در نظریه انتخابی عقلایی مورد تأکید می‌باشد. علاوه بر این‌ها متغیرهای سواد (با تأثیر کل ۰/۲۲۲)، متغیر اسکان اعضای طایفه (با اثر کل ۰/۱۵۸) و اندازه خانوار (با اثر کل ۰/۱۱۱) نیز مطابق چارچوب مفهومی تحقیق در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در حقیقت افراد تحصیل‌کرده شناخت بیشتری از ملزومات زندگی مدرن و عدم امکان ادامه زندگی کوچ‌نشینی داشتند. به‌ویژه این‌که در شیوه کوچ‌نشینی خدمات تحصیلی به سختی فراهم است و افراد زیادی از نعمت سواد محروم می‌شوند. به‌علاوه اسکان اعضای طایفه نیز به‌عنوان متغیر اثرگذار بر گرایش به اسکان عمل می‌کند. اعضای اسکان‌یافته نقش زیادی در جذب خانوارهای کوچ‌رو دارند. خویشاوندان اسکان‌یافته، با معرفی امکانات و خدمات موجود در کانون‌های اسکان و موفقیت‌های شغلی کسب شده توسط خود، می‌توانند نقش مهمی در جذب خانوارهای کوچ‌رو به زندگی ثابت داشته باشند. علاوه بر این‌ها خانواده‌هایی که اعضای بیش‌تری دارند نیز تمایل بیش‌تری به اسکان داشته‌اند. این موضوع نشان‌دهنده این است که خانوارهای عشایری تمایل ندارند که فرزندان خود را درگیر زندگی کوچ‌نشینی و سختی‌های آن کنند. در برخی تحقیقات پیشین نیز اشاره شده که علاوه بر مشقات زندگی کوچ‌نشینی، فقر، تمایل به تحصیلات، اسکان خانوارهای خویشاوند، نیز در تسریع اسکان موثر بوده‌اند (خورسند، ۱۳۶۸؛ ۵۵-۵۱). بنابراین اولویت برنامه‌ریزان باید بر جذب چنین خانوارهایی باشد تا آن‌ها خود عاملی بر جذب دیگر افراد به کانون‌های

اسکان شوند. برخلاف این متغیرها که تأثیری مستقیم بر گرایش به اسکان داشتند، متغیرهای تعداد دام و درآمد عشایری با اثرات کل $-۰/۲۲۹$ و $-۰/۱۴۸$ دارای تأثیر معکوس بر گرایش به اسکان بودند. با توجه به این که در کانون‌های اسکان باید تعداد دام را کاهش داد و امکان دسترسی گسترده به مرتع وجود ندارند، بنابراین خانوارهای با تعداد دام بیش‌تر تمایل کم‌تری به اسکان نشان دادند. وجود چنین اثراتی در مطالعات مشابه نیز تأیید شده است (ایروانی محمدرضا، ۱۳۸۴: ۶۷). یکی از مواردی که باید مورد توجه قرار گیرد تبدیل دامداری به شیوه رમે‌گردانی فعلی به دامداری نیمه‌صنعتی برای چنین خانوارهایی است. بنابراین هم قدرت تولید خانوارهای عشایر حفظ شده و هم اشتغال در کانون اسکان برای آن‌ها تضمین شده است، به‌ویژه این که تعداد بیش‌تر دام تضمین‌کننده درآمد بیش‌تر زندگی عشایری است.

به‌طور کلی نتایج بیانگر این بود که تصمیم به اسکان در بین خانوارهای عشایری در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی صورت می‌گیرد. در واقع افراد با مقایسه جاذبه‌های اسکان و دافع‌های کوچ سعی در انتخاب عقلانی بین کوچ و اسکان دارند. نتایج این تحقیق نیز نشان داد که جاذبه‌های اسکان بیش‌ترین تأثیر بر تصمیم خانوارها را دارد زیرا که در صورت انتخاب اسکان، پاداش بیش‌تری در انتظار آن‌ها است. به‌علاوه دافع‌های کوچ نیز تأثیر منفی بر تصمیم به اسکان دارد زیرا که افراد در پی کاهش سختی‌های کوچ یا حداقل کردن هزینه‌ها هستند.

منابع

- آقاسی‌زاده، فتح‌الله؛ حسینی‌درویشانی، محمود (۱۳۸۹)، «اسکان عشایر: مروری بر تجارب و داده‌ها»، *هفته‌نامه برنامه*، شماره ۸، صص ۲۲-۳۲.
- اکبری، علی؛ میزبان، مهدی (۱۳۸۳) «درآمدی بر شناخت ویژگی‌های جمعیت و جوامع عشایری ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۱ (۵)، صص ۹-۴۲.
- ایروانی، محمدرضا (۱۳۸۴)، «سنجش میزان گرایش‌ات خانواده‌های عشایری در زمینه اسکان و مشکلات موجود بررسی موردی عشایر عرب جرقویه»، *تعاون*، شماره‌های ۱۶۵-۱۶۶، صص ۷۰-۶۲.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۲)، «مسایل کوچ و اسکان در جامعه عشایری آذربایجان»، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، شماره ۱۱، صص ۶۵-۹۲.
- توکلی، جعفر؛ ضیاتوانا، محمدحسن (۱۳۸۸)، «پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری»، *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۱۲ (۱)، صص ۵۳-۸۶.
- حیاتی، ابراهیم (۱۳۸۰)، «چشم‌اندازی به فردای زندگی عشایر»، *مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر*، نقش بیان، سازمان امور عشایر ایران. تهران، صص ۱۸۵-۱۶۹.
- خورسندر حیم‌زاده، مجید (۱۳۶۸)، «بررسی عوامل موثر بر اسکان عشایر تیره شیرای طایفه عرب ایل خمسه استان فارس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- رضوانی، محمدرضا؛ دریکنوند، مسلم (۱۳۸۶)، «بررسی و ارزیابی کانون‌های ساماندهی و اسکان عشایر (آثار و پیامدها) مطالعه موردی کانون کمری شهرستان ازنا»، *جهاد*، شماره ۲۷۹، صص ۱۵۱-۱۳۳.
- ریاحی، وحید؛ احمدی، راشد؛ عزمی، آبیژ (۱۳۹۲)، «بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر، مطالعه موردی: کانون‌های استان کهگیلویه و بویر احمد»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، شماره ۲۸ (۱۳)، صص ۹۵-۱۱۲.
- زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۳)، «مکتب‌ها و نظریه‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای»، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
- شاطری، مفید، حجی‌پور، محمد (۱۳۹۰)، «اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری: مطالعه موردی شهرک نازدشت سریشنه در استان خراسان جنوبی»، *فصلنامه جغرافیای انسانی*، شماره ۲ (۳)، صص ۱۷-۲۹.
- شاطری، مفید؛ صادقی، حجت‌الله (۱۳۹۱)، «واکاوی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان خودجوش عشایر، مطالعه موردی: عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه استان خوزستان»، *مجله برنامه‌ریزی فضایی*، شماره ۲ (۲)، صص ۱۰۵-۱۲۸.

- شکور، علی؛ طبیبی، حمیدرضا؛ باقرزاده، محمدصادق؛ واحدپور، غلامعباس (۱۳۹۲)، «سنجش عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس» *فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای*، شماره ۳ (۹)، صص ۱۱-۱.
- شکور، علی؛ رضایی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی فیروزآباد و سنجش و گرایش آنان به تغییر شیوع معیشت»، *فصلنامه نگرش نو در جغرافیای انسانی*، شماره ۵، صص ۱۳۴-۱۲۳.
- صیدایی، اسکندر (۱۳۷۷)، «توسعه پایدار جامعه عشایری ایران در آینده (چارچوب نظری، استراتژی‌های توسعه)»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۱۴، صص ۸۳-۱۰۰.
- صیدایی، اسکندر (۱۳۸۷)، «چشم‌انداز جامعه عشایری ایران در افق ۲۰ ساله آتی»، *نشریه علوم جغرافیایی*، شماره ۱۲، صص ۱۶۶-۱۴۷.
- صیدایی، اسکندر (۱۳۸۹)، «بررسی مسایل اساسی قانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی (نمونه مورد مطالعه: بکان، گل افشان و قراب)»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۹۷، صص ۱۶۶-۱۳۹.
- علی‌پور، لیلا؛ حجت، عیسی (۱۳۹۰)، «بازار عشایری چند کارکردی: گامی در راستای پایداری زندگی عشایر کوچنده»، *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۱ (۱۴)، صص ۱۷۲-۱۴۹.
- قادرمربی، حامد؛ جمشیدی، علیرضا؛ جمشیدی، معصومه؛ جمینی، داود (۱۳۹۲)، «اولویت‌بندی چالش‌های اسکان غیررسمی با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)»، *فصلنامه مطالعات شهری*، شماره ۶ (۱)، صص ۵۸-۴۳.
- کرایب، یان (۱۳۷۸)، «نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس»، (ترجمه عباس مخبر)، تهران، نشر آگه.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۶)، «بنیادهای نظریه اجتماعی»، (ترجمه منوچهر صبوری کاشانی)، تهران، نشر نی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، «سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور ۱۳۸۷ جمعیت عشایری دهستان‌ها»، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی.
- مقدس‌جعفری، محمدحسن؛ درستی، امیرعلی؛ عباسی، الهام (۱۳۹۰)، «اسکان عشایر، چالش‌ها و راهکارها»، *مطالعات ایلات و عشایر*، شماره ۱ (۱)، صص ۱۳۶-۱۱۳.
- مهدوی، مسعود؛ رضایی، پژمان؛ خانی، فضیله (۱۳۸۸)، «سنجش نگرش عشایر اسکان‌یافته نسبت به اسکان در استان چهارمحال و بختیاری»، *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۱۲ (۳)، صص ۱۶۲-۱۳۷.
- مهدوی، مسعود؛ رضایی، پژمان؛ قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۸۶)، «روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن»، *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۱۰ (۱)، صص ۶۲-۴۱.
- نجاتی، بهناز؛ حجتی‌پور، محمد؛ میکانیکی، جواد؛ مینایی‌نژاد، محمدظاهر؛ ابراهیمی، محمد (۱۳۹۱)، «اسکان و تحولات اقتصادی- اجتماعی جامعه عشایری نمونه: کانون آواز در شهرستان درمیان»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، شماره ۲۵، صص ۱۴۴-۱۲۵.

- وبر، ماکس (۱۳۷۴)، «**اقتصاد و جامعه**»، (ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده)، تهران، نشر مولی.

- Chambers, R., Conway, G. R., (1992), "***Sustainable rural livelihoods: practical concepts for the 21st century***", Discussion Paper 296. Institute of Development Studies, University of Sussex, Brighton, England.
- Che Soh, M., Omar, S., (2012), "Small is Big: The charms of indigenous knowledge for sustainable livelihood", ***Environment-Behavior Studies, Procedia-Social and Behavioral Sciences***, (36): 602-610.
- Conroy, C., Litvinoff, E., (1988), "***The greening of aid, sustainable livelihoods in practice***", London: Earthscan Publications.
- DFID., (1999), "***Sustainable Livelihoods Guidance Sheets***", London, UK: DFID.
- Ebrahim, M. H. S., (1984), "Nomadism, settlement and development", ***Habitat Intl***, 8 (1): 125-141.
- Lintner, C., (2014), "Overcoming the "nomad camps" by initiating a new learning process on the example of Bolzano (Italy)", ***Procedia - Social and Behavioral Sciences***, 116: 775-779.
- Shen, F., (2009), "***Tourism and the sustainable livelihoods approach: application within the chinese context***", Lincoln University research archive. Lincoln.
- Thimm, H. U., (1979), "***Development project in the Sudan***", The United Nations University. Tokyo.